

# آسیب‌شناسی تربیت دینی در مدارس

عباس چراغ چشم\*



مقدمه

پیشرفت و توسعه هر کشور مرهون موفقیت و رشد روزافزون نظام تعلیم و تربیت آن کشور است و پرداختن به حوزه تربیت دینی در آن نظام از عناصر اصلی پیشرفت آموزش و پرورش است؛ اما در گام اول برای حصول اهداف و برنامه‌های تربیت دینی باید آسیب‌های پیرامون آن را شناخت. در نظام رسمی آموزش و پرورش کشور ما به امر تربیت دینی با نگاهی برابر با دیگر برنامه‌های آموزشی نگریسته شده است. حال آنکه این طرز تلقی جای تأمل و بررسی دارد؛ زیرا مخاطب تربیت دینی، روح و جان دانش‌آموزان است که به سعادت و رستگاری ابدی می‌انجامد؛ اما دروس و برنامه‌های دیگر مربوط به ذهن و حافظه است که برای رفاه عمومی و امور دنیوی است؛ بنابراین برای توفیق در تربیت دینی، شناخت آسیب‌های آن برای برنامه‌ریزان آموزش و

---

\* پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

پرورش به منظور آشنایی با آفت‌های راه یافته در فرهنگ و آموزه‌های دینی ما امری حتمی است. افزون بر این، تحولات پرشتاب کنونی در عرصه فرهنگ جهانی، بسیاری از نگرش‌ها و روش‌های رایج در تربیت دینی ما را تغییر داده و نقش نهادهای گوناگون اجتماعی از قبیل آموزش و پرورش، خانواده، رسانه‌ها و ... می‌تواند در این دگرگونی مؤثر باشد. در این میان نقش دستگاه عظیم آموزش و پرورش که مسئولیت قریب ۱۶ میلیون دانش‌آموز را بر عهده دارد، خطیرتر از همه نهادها است. بدون تردید برای دستیابی به این شناخت از طرفی باید مراقب بود که مبادا به بهانه مقتضیات زمان، اصول اخلاقی رایج در دین مبین اسلام دستخوش تغییر قرار گیرد و از طرف دیگر نباید در جمود و جزمیت گرفتار شویم و ورود به این عرصه مهم از معرفت را کنار گذاریم؛ زیرا این نیاز نه تنها نیاز حوزه آموزش و پرورش، بلکه نیاز تمامی حوزه‌های فرهنگ عمومی است؛ همچنین باید با تیزبینی، دقت نظر و طمأنینه بیشتری به این موضوع نگرست تا به فکر، فرهنگ، آموزش و تربیت دینی شایسته نایل آییم.

### تعریف آسیب‌شناسی

ترکیب آسیب‌شناسی یا «Pathology»، از علوم پزشکی به علوم اجتماعی وارد شده و در اصل به معنای مطالعه علل بیماری و عوارض و علائم غیرعادی است و در اصطلاح علوم طبیعی به معنای «مطالعه و شناخت عوامل بی‌نظمی‌ها در ارگانیسم انسانی جهت درمان بیماری‌های جسمانی است». این واژه از ریشه یونانی «path = patho» به معنای رنج و محنت و «Logy» به معنای دانش ترکیب شده است.<sup>۱</sup>

«برگر» و «لوکمان» این اصطلاح را در حوزه مسائل اجتماعی به معنای وضعیت غیرمتعارف و انحرافی که به اصلاح نیاز دارد، به کار برده‌اند. «آسیب‌شناسی اجتماعی» به شناخت علل و عوامل، نشانه‌ها و علائم آسیب‌پذیری انسان در جامعه و زندگی اجتماعی، اعم از تربیتی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... می‌پردازد. در حوزه آسیب‌شناسی دینی نیز به معنای «شناخت آسیب‌ها و اشکالاتی است که بر دین و معرفت دینی و دینداری و ... وارد شده یا ممکن است وارد شود»<sup>۲</sup>.

واژه تربیت از نظر لغوی به معنای «پروراندن، پروردن، آموختن، تأدیب و سیاست، ترقی و برتری و احسان و تفقد به شاگرد و دیگر زبردستان»<sup>۲</sup> به کار رفته است. این واژه از ریشه «ربی» و «ربا» گرفته شده است که بر برتری، رشد و علو دلالت می‌کند. بنابراین واژه مذکور به معنای فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است. افزون بر این، تربیت به معنای تهذیب نیز به کار رفته که معنای تطهیر نفس از معایب اخلاقی است. در اصطلاح نیز تربیت را «به کمال رساندن یا ریشه دادن کارکردهای روانی به کمک تمرین تا رسیدن تدریجی به کمال خود» دانسته‌اند. بنابراین تربیت یک فرد به معنای تقویت ملکات و پروراندن توانایی‌ها و اصلاح رفتار اوست؛ به گونه‌ای که بتواند در یک محیط معین به شکل مناسبی زندگی کند.<sup>۴</sup>

### آسیب‌شناسی جامعه و ارتباط آن با تعلیم و تربیت

جامعه ایرانی امروز به دلایل بی‌شماری یک از پیچیده‌ترین جوامع جهان را تشکیل می‌دهد که تراکم، افزوده شدن و انباشت لایه‌های متعددی از مشکلات و تنش‌ها و تقابل‌های گاه آشتی‌ناپذیر در آن، موقعیت بسیار بغرنجی را در آن به وجود آورده است. از این رو شاید ادعایی مبالغه‌آمیز نباشد که ایران امروز را بتوان یکی از بزرگ‌ترین آزمایشگاه‌های روابط و مناسبات اجتماعی و از گلوگاه‌های حساس تاریخی و فرهنگی در جهان به شمار آورد که سرنوشت آن می‌تواند به بسیاری از پرسش‌های اساسی که در روابط کنونی در جهان وجود دارد، پاسخ دهد. به همین جهت است که بسیاری از پژوهشگران اجتماعی، اعم از جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان، روان‌شناسان و به طور کلی فرهنگ‌شناسان از سراسر عالم برآنند که به ایران سفر کنند و این جامعه پرشور و شکوفا و در عین حال پر تنش و تناقض را از نزدیک ببینند و حتی آنها که چنین اقبالی را نمی‌یابند، از ایرانی و غیرایرانی، هر سال صدها مقاله و کتاب را به کشور ما اختصاص می‌دهند.

در این میان، نگاه آسیب‌شناختی طبعاً می‌تواند نگاهی منفی به شمار آید که نه تنها نمی‌توان آن را به معنای ندیدن جنبه‌های مثبت و توانایی‌های موجود در این جامعه تلقی کرد،

بلکه باید بر شناخت مشکلات این جامعه و نیاز آن به خروج از بن‌بست‌ها و بحران‌های کنونی تأکید کرد. در این نگاه می‌توان موقعیت خاص تعلیم و تربیت ایران را بر اساس یک رویکرد کلان در چندین گسست اساسی که از سال‌ها پیش در این جامعه وجود داشته و به تدریج افزایش یافته، تعریف کرد.

## حاکمیت دیدگاه‌ها و باورهای سنتی نسبت به ماهیت واقعی دانش‌آموز به عنوان انسانی آزاد و اجباری شدن تربیت دینی

یکی از آسیب‌های موجود در حوزه تعلیم و تربیت کشور، اجباری بودن تربیت دینی و عدم توجه به دانش‌آموز به عنوان انسانی انتخابگر و آزاد است. با توجه به اینکه یکی از وظایف مهم حکومت، تربیت دینی و اخلاقی مردم است؛ همچنین همه ما معتقدیم که تعلیم و تربیت باید دینی باشد و دانش‌آموزان را نمی‌توان به حال خود رها کرد، که با این توضیحات، هم‌اکنون دو شیوه برای تربیت فراگیران اعمال می‌شود که عبارتند از:

### الف. تربیت دینی مبتنی بر اجبار و الزام

در این شیوه، دین چارچوب پیدا می‌کند و مردم نمی‌توانند از اختیارشان استفاده کنند؛ در نتیجه دین صبغه اجبار و الزام به خود می‌گیرد و همان گونه که دانش‌آموزان علوم دیگر را یاد می‌گیرند، تعالیم دینی را هم باید یاد بگیرند که این شیوه براساس تعالیم دینی و تجربه‌های گذشته مردود است؛ بنابراین برای تربیت صحیح علاوه بر پرهیز از اکراه و اجبار، باید به شیوه الگودهی فراگیر متوسل شد. در این راستا باید معلمانی را گزینش و انتخاب کنیم که بتوانند دانش‌آموزان را جذب کنند؛ زیرا اگر معلم خود الگوی مجسم دین باشد، دانش‌آموزان نیز علاقه‌مند می‌شوند و کلاس این دروس برای آنها دلنشین می‌شود. در تربیت دینی الگوها می‌توانند متنوع و به تناسب مخاطب، مکان و زمان مورد استفاده قرار گیرند. خداوند در قرآن درس الگودهی را در رسالت پیامبر اعظم (ص) به مردم یادآوری می‌کند؛ چنان‌که می‌فرماید:

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ... يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

خداوند بر مؤمنان منت نهاد و رسولی را از بین خودشان برانگیخت ... تا به آنان دستورهای دین و حکومت را بیاموزد.

ایمان و اعتقاد تنها با دایر کردن کلاس درس پدید نمی‌آید. آموزنده‌ترین این تجارب مواردی است که در آنها چندان موفق نبوده‌ایم. باید از شکست‌های موجود درس بیاموزیم و تربیت دینی را به تعلیم اصول، قواعد و احکام محدود نکنیم. اگر قرار باشد با تشدید و تحمیل و اکراه مطالب دینی را آموزش دهیم، نتیجه‌ای مطلوب به دست نمی‌آید. بنابراین باید راه دیگری را برگزید که آن، تربیت دینی مبتنی بر محبت است.

#### ب. تربیت دینی مبتنی بر محبت

معلمان قرآن و دینی باید خوش خلق‌ترین و خوش‌خوترین معلمان باشند؛ زیرا اگر بخواهیم تعلیمات دینی جایگاه حقیقی خود را پیدا کند، باید علاوه بر تربیت مبتنی بر محبت، از صبر و حوصله نیز در این مسیر برخوردار شویم. تعلیمات دینی را مثل ریاضی، شیمی و فیزیک نمی‌توان به دانش‌آموزان منتقل کرد بلکه باید ضمن تلاش مضاعف با حوصله و صبر از صمیم قلب به آنان منتقل نمود؛ زیرا اگر قلبی نباشد، اکراه است و اکراه هم متوجه قلب نیست، بلکه متوجه بدن است؛ افزون بر این، نمی‌توانیم بگوییم، چون مدرسه اجباری است، تدین هم به پیروی از مدرسه اجباری است بلکه تدین امری اختیاری است و برقراری پیوند میان تدین که امری اختیاری است با مدرسه و تعلیم که از روح اجبار و رسمیت برخوردار است، هنری است که معلمانی هنرمند را می‌طلبد.

#### بی‌توجهی به عواطف جهت انتقال باورهای دینی

هنگامی که یک دانش‌آموز را در فضای دینی تربیت می‌کنیم، خود به خود براساس آموزه‌های دینی، انسانی امیدوار بار می‌آید و دچار یأس و سرخوردگی نمی‌شود. برای آموزش دینی باید از عواطف آغاز کرد؛ چون دانش‌آموزان و بویژه کودکان و نوجوانان عاطفه‌ای نسبتاً فعلیت یافته دارند. روان‌شناسان معتقدند که عدم بهره‌مندی از عواطف و

ضررهای روانی تحکم و اعمال اجبار، ضایعه عاطفی یا «تراماتیزم»<sup>۶</sup> را ایجاد می‌کند؛ زیرا روح انسان بسیار شکننده و لطیف است و در مقابل هر حرکتی واکنش از خود نشان می‌دهد. پس در مقابل فشارهای عاطفی که روح عکس‌العمل نشان می‌دهد، نباید به گونه‌ای عمل کنیم که در دانش‌آموزان روحیه فرار و گریز ایجاد شود؛ برای مثال در زمینه عبادت به توصیه‌های رسول خدا (ص) برمی‌خوریم که می‌فرماید عبادت را تا آنجا انجام دهید که روحتان نشاط عبادت دارد؛ یعنی عبادت را با میل و رغبت توأم باشد. وقتی یک مقدار عبادت کردید، نماز خواندید، مستحبات را بجا آوردید، نافله انجام دادید، قرآن خواندید و بیداری کشیدید، اگر حس کردید در مرحله‌ای هستید که عبادت برایتان سخت و سنگین شده است، در این صورت عبادت را به خود تحمیل نکنید. اگر تحمیل کنید، روح کم کم از عبادت گریزان می‌شود. گویی عبادت را مانند یک داروی تلخ به او داده‌ای. آن گاه خاطره بدی از عبادت پیدا می‌کند. بنابراین باید کوشید عبادات خود را همواره با نشاط بجا بیاوریم. پیامبر (ص) به جابر فرمود:

إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَيِّينٌ فَأَوْعِلْ فِيهِ بِرِفْقٍ وَ لَا تَبْغِضْ إِلَيَّ تَقْسِيكَ عِبَادَةَ اللَّهِ فَإِنَّ الْمُنْبِتَ لَا أَرْضَا قَطَعَ وَ لَا ظَهْرًا أُبْقِي<sup>۷</sup>

ای جابر! دین اسلام دین یا متانتی است. با خودت با مدارا رفتار کن بعد می‌فرماید ای جابر، آن‌ها که خیال می‌کنند با فشار آوردن بر روی خود و سخت‌گیری بر خود زودتر به مقصد می‌رسند اشتباه می‌کنند، اصلاً به مقصد نمی‌رسند.

مثل آنها مثل آن انسانی است که مرکبی به او داده‌اند که از شهری به شهری برود او خیال می‌کند هرچه به این مرکب بیشتر شلاق بزند و فشار آورد زودتر می‌رسد.

خداوند در قرآن انسان‌ها را به اعمال خیر تشویق می‌کند. بنابراین مربی تربیت دینی نیز باید مخاطب خود را که همان دانش‌آموزان هستند، به پاداش الهی بشارت دهد.

عواطف غالباً در دانش‌آموزان نقش فعال‌تری دارند. بنابراین سیر تربیت را باید از عواطف آغاز کرد تا اعتقادات، درونی و عمیق شود و در قلب‌های فراگیران ریشه بداوند؛ آن گاه با برهان‌های عقلی می‌توان عواطف را آرایش، پیرایش و تعدیل کرد. بیشتر کتاب‌های درسی ما از این دید با اشکال روبه‌رو است؛ چون از آغاز، عقلانیت را سنگ بنای آموزش قرار می‌دهند و با برهان و استدلال می‌خواهند خدا را برای نوجوانان اثبات کنند. در حالی که اگر از عواطف و احساسات و هیجان‌ات روحی و تبلورهای فطرت برای جوانه زدن این باور دینی در قلب

استفاده شود و در مرحله بعد با کمک عقل به عنوان پشتوانه برای او استدلال کنیم، مؤثرتر خواهد بود. در قرآن کریم خطاب به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید:

فَمَا رَخِمَهُ مِنَ اللَّهِ لِنْتُ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتُ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْقَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْتَفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ. <sup>۸</sup>  
پس به برکت رحمت الاهی با آنان نرمخو و پرمهر شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، مردم از گرد تو متفرق می‌شدند؛ پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه...

البته در کتاب‌های دوره ابتدایی به نرمخویی و مسائل عاطفی توجه شده است. در مقطع راهنمایی نیز از قصه‌ها و حکایات بهره گرفته شده است؛ ولی در مقطع متوسطه از این امر غفلت شده است در صورتی که باید دروس اولیه کتاب‌های دینی متوسطه نیز بار عاطفی داشته باشد و سپس به طرف استدلال، حرکت کند.

حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا دانش‌آموزان مقطع متوسطه در درس دینی مشکل دارند و اکنون در امر تربیت دینی آنها موفقیت مطلوبی به دست نیامده است؟

از سوی دیگر علت علاقه مردم به پیامبر اعظم (ص) در امر تربیت دینی چه بوده است؟ آیا غیر از این است که پیامبر در برابر مردم با مهر و علاقه برخورد می‌کرده است؛ چنان‌که در قرآن آمده است:

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ <sup>۹</sup>  
نیک و بد یکسان نیست. با اخلاق نیک‌تر دفع شر کن که آنگاه آن که بین تو و او دشمنی است گویا با دوستی خویشاوند است.

بنابراین برای موفقیت در انتقال باورهای دینی و شناخت نیازهای مخاطبان بویژه نیازهای عاطفی آنها که مهم‌ترین نیاز هر فرد است، نقش بسیار مهمی دارد. در این زمینه می‌توان به سخن حضرت علی (ع) به مالک اشتر توجه کرد که می‌فرماید:

وَ أَشْرَفُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةُ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةُ لَهُمْ وَ اللَّطْفُ بِهِمْ ... فَاعْظِمِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ أَنْ يُعْطِيكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ <sup>۱۰</sup>

احساس مهر و محبت به مردم و ملامت با آنها را در دلت بیدار کن ... از عفو و گذشت به آنان بهره‌ای بده؛ همچنان که دوست داری خداوند از عفو و گذشتش تو را بهره‌مند گرداند.

قلب معلم باید کانون مهر و محبت باشد. معلم باید همچون مادری مهربان به دانش‌آموزان مهر بورزد و با روح سرشار از عواطف و محبت بر قلب دانش‌آموزان مسلط شود.

## پرداختن به جنبه‌های رفتاری تربیت دینی به جای جنبه معرفتی

مسئله تربیت به طور عام و ترویج دین به طور خاص، اصولاً مسئله‌ای چند بعدی است و نمی‌توان آن را به مدرسه محدود کرد؛ حتی تربیت به معنای اعم را هم نمی‌توان به مدرسه محدود کرد. مدرسه با دانش پیوندی اساسی دارد و نهادی محوری است. بسیاری از فعالیت‌های دانش‌آموزان در زمینه ریاضی، فیزیک، زمین‌شناسی و ... دانش به شمار می‌آید. دین هم از بعد معرفتی برخوردار است؛ بنابراین کسانی که می‌خواهند در مدرسه به لحاظ دینی تربیت شوند، لازم است، از معرفت و شناخت عمیقی درباره دین برخوردار شوند. جنبه معرفتی و استدلالی دین، بارها در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است؛ از جمله می‌فرماید:

قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي ۝۱۱

بگو من دلیل روشنی از پروردگارم دارم ...

و نیز می‌فرماید:

قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۝۱۲

... سخن حق بگویید.

آری، تنها با تمسک به این شیوه می‌توان رفتارهای دینی قابل انتظار را در وجود دانش‌آموزان بر پایه معرفتی فراگیر نسبت به دین بنیان نهاد و آنها را محکم کرد. پس از فراهم شدن معرفت، لازم نیست در زمینه دین به جنبه‌های عملی و رفتاری آن توجه کرد. کسانی که می‌خواهند معرفت دینی را تحکیم کنند، باید آن را متناسب با روح زمان مطرح کنند. متأسفانه در مدارس ما، تعلیم و تربیت دینی بیشتر جنبه‌های رفتاری دارد تا معرفتی؛ مثلاً اگر دانش‌آموزان در نماز جماعت مدرسه شرکت کنند، طرح آنها موفق شده است. اگر بخواهیم در آموزشگاه تعلیم و تربیت دینی داشته باشیم، به این معنا که دانش‌آموزان را به هر نحوی که بخواهیم وادار به انجام امور دینی کنیم، راهی بی‌نتیجه برگزیده‌ایم. اجباری بودن تعلیم و تربیت به معنای ایجاد الزام برای خواندن نماز نیست. بنابراین دمیدن روح اندیشه درباره دین و ضرورت پایبندی به آن در میان دانش‌آموزان از محوری‌ترین وظایف مدرسه است.



## عدم بهره‌مندی از معلمان متخصص و متدین در امر تربیت دینی

امر تربیت دینی باید جدی باشد. البته این به معنای سخت‌گیری و تحت فشار قراردادن دانش‌آموزان نیست؛ بلکه به معنای داشتن برنامه‌ای مدون و عملی با مجری مشخص است. باید معلوم شود که در چه سنی، چه مقدار مطلب باید به دانش‌آموز منتقل کرد. درس دینی با دروس ریاضی، فیزیک و ... متفاوت است. در آن درس‌ها معلم یک سری مهارت را منتقل می‌کند؛ ولی در درس دینی باید این انتقال عمیق‌تر و درونی‌تر باشد. باید در امر آموزش و تربیت دینی کاری کرد که به رفتار دینی بینجامد و این رفتار برخاسته از ایمان و باور قلبی و درونی باشد.

معلم قرآن و دینی دو وظیفه دارد: یکی انتقال معلومات دینی به دانش‌آموز و دیگری کاشتن بذر ایمان به غیب در قلب و روح آنان است تا دانش‌آموز برای عمل به دین، خودانگیزگی داشته باشد و در وجودش تصرفی صورت گیرد که سبب شود در خارج از کلاس درس هم انسان متدینی باشد.

کلاس درس دینی باید محیطی دوستانه و آکنده از محبت باشد و هنگامی که معلم دینی وارد کلاس می‌شود، دانش‌آموز او را یک دوست ببیند. معلم دینی باید جلوه‌های تدین را در خود متجلی کند. او باید متانت و صداقتی از شخصیت خودش بروز دهد که هر کس با دیدن او بگوید، اگر دین باعث تربیت چنین انسان‌هایی می‌شود، چرا ما متدین نباشیم. معلم دینی باید با هنرمندی، دین و درس دینی را برای دانش‌آموزان شیرین کند.

اگر دانش‌آموزان از همان روزهای اول، آن حقایقی را که از لحاظ ایمان و عمل و اعتقاد در کتاب‌های درسی می‌آموزند، در شخصیت معلم دینی نبینند، درست مثل این است که چیزی را آزمایش کنند، اما خلافتش را ببینند.

معلمان دینی باید فکورترین و فهمیم‌ترین معلمان در مجموعه آموزش و پرورش باشند. نباید حد متوسط و میانگین معلمان دینی، هم به لحاظ قدرت تفکر، هم به لحاظ کثرت معلومات و هم به لحاظ فهم و حکمت از حد متوسط سایر معلمان پایین‌تر باشد. اگر معلمان دینی ما افراد اهل مطالعه و دارای قدرت تفکر بالا باشند، دانش‌آموزان جذب آنها می‌شوند و ایشان را الگوی علمی و عملی خویش قرار می‌دهند.

## نداشتن برنامه جامع تربیت دینی در تمامی سنین دانش‌آموزان

از دیگر آسیب‌های تربیتی نظام آموزش و پرورش این است که اغلب اصرار داریم معلومات معین و مشخصی را که گاه نمی‌دانیم تا چه حد دینی است، به ذهن دانش‌آموزان وارد کنیم و می‌پنداریم با تعلیم آنها بچه‌ها متدین می‌شوند و هر سال نیز مضامین کتاب‌های درسی را تغییر می‌دهیم و باز سال بعد می‌بینیم این تغییر بی‌فایده است. در این زمینه باید این پرسش‌ها را مطرح کرد که آیا حاصل آموزش‌های دوران ابتدایی رضایت‌بخش بوده است؟ آیا آنچه دانش‌آموزان آموخته‌اند در وجودشان تأثیرگذار بوده است؟ تجربه گذشته و بررسی‌ها نشان می‌دهد که پاسخ این پرسش‌ها عموماً منفی یا حداقل در حد مطلوب نیست.

آری اگر چیزی عین وجود نشود، عملش بی‌حاصل است. ما معمولاً دینداری را با اجرای آداب و رسوم دینی یکی می‌دانیم. البته دین بدون مناسک، آداب و عبادات معنا ندارد؛ اما دینی که منشأ آثار اجتماعی و فرهنگی می‌شود، چیزی بیشتر از عادات دینی است. از طرف دیگر معمولاً در کتاب‌های دینی مطالب تکراری و رسمی را تعلیم می‌دهیم و اصولاً تلاش بر این است که معلومات رسمی دینی عرضه شود و کاری به پرورش ذوق دینی دانش‌آموزان نداریم. در پرورش و آموزش دینی دانش‌آموزان با توجه به اقتضای سن آنها باید برنامه داشت و نمی‌شود برای همه یک نسخه پیچید. در برنامه‌های تربیتی باید جنسیت، سن، منطقه جغرافیایی، آداب و رسوم، خانواده، اقتصاد و ... مدنظر برنامه‌ریزان قرار گیرد.

## کارایی ضعیف مریبان قرآن و عدم توانمندی بالای آنها در امر تدریس

آموزش قرآن به منظور نشان دادن ظرافت و لطایفی که در آن وجود دارد، باید به گونه‌ای باشد که با جان و فطرت فراگیران آمیخته شود؛ نه اینکه با اصرار به آنها بقبولانیم که فلان نکته ظریف است. تفسیر قرآن هم از عهده هر مفسری بر نمی‌آید. اگر کسی در کلمات و آیات قرآن غور کرد می‌تواند مطالبی را بنویسد که به دل بنشیند. گاه از قرآن می‌گوییم، ولی مقصودمان چیز دیگری است. گاه قرآن را تفسیر می‌کنیم که بعضی مجبور به انجام کاری شوند، ولی این

درست نیست؛ زیرا سخنان ما رنگ اجبار به خود می‌گیرد؛ بنابراین به وجود آنها رسوخ نخواهد کرد.

اگر می‌خواهیم کسی قرآنی شود و با قرآن انس پیدا کند، باید معلمی را بیابیم که وجودش با قرآن آمیخته باشد؛ زیرا تنها او است که می‌تواند آتش افروخته در جان خود را به دانش‌آموزان منتقل کند. بنابراین فقط سوختگان قرآن از عهده این رسالت برمی‌آیند، نه همه کسانی که صرفاً قرآن خوانده‌اند. از سوی دیگر یا تأمل در قرآن کریم درمی‌یابیم که خداوند حکیم در بسیاری از موارد پیام الهی و آسمانی خود را در دل داستان‌ها آن هم به صورت گفت‌وگو و غیرمستقیم قرار داده است که همراه با بیان نظرها و استدلال‌های مخالفان ابلاغ می‌کند که این خود موجب جذابیت پیام می‌شود؛ ولی ما نتوانسته‌ایم آن جذابیت لازم را به نمایش بگذاریم. همچنین در قرآن بارها به تفکر، تعقل و تدبیر دعوت می‌شویم. حال آنکه نظام آموزشی و تربیتی ما انتظار دارد مردم بویژه جوانان، تلقی خاصی از دین را بپذیرند. نکته دیگر آنکه در قرآن، پیامبر اسلام (ص) به عنوان معلم و مربی امت اسلامی به اوصافی همچون رحمت برای جهانیان، صبور و شکیبا در امر دین، دارای سعه صدر و ... وصف شده است. پرسش این است که آیا مریبان قرآن دارای چنین اوصافی هستند؟

### عدم استفاده از وسایل کمک آموزشی در تربیت دینی

امروزه یکی از عوامل مهم در یادگیری و انتقال مفاهیم، استفاده از وسایل کمک آموزشی است که در آموزش و پرورش فقط در دروس علوم پایه یا بعضی از دروس نظری مثل جغرافیا استفاده می‌شود. در صورتی که در آموزش و تربیت دینی می‌توانیم با استفاده از وسایل کمک آموزشی به اهداف مورد نظر خود دست یابیم؛ برای نمونه پیامبر اسلام (ص) متناسب با امکانات موجود از وسایل کمک آموزشی برای رساندن پیام‌های الهی و تربیتی خود استفاده می‌کرد و این امر علاوه بر کمک به بهتر فهمیدن، از یکنواختی در امر آموزش جلوگیری می‌کرد و با ایجاد تنوع و جذابیت، امر آموزش و تربیت را تسهیل می‌نمود.

جابر بن عبدالله می‌گوید: پیامبر (ص) [برای تبیین و تفهیم صراط مستقیم] بر روی زمین جلوی خود، خطی مستقیم کشید و فرمود: این راه خدا است؛ سپس خطوطی مورب به آن خط

وصل کرد و فرمود: اینها همه راههایی است که بر سر هر یک شیطانی قرار دارد که به آن دعوت می‌کند. سپس دست خود را روی خط مستقیم گذاشت و این آیه را تلاوت کرد:

وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ<sup>۱۳</sup>

البته این است راه راست که از آن پیروی کنید و از راههای دیگر که موجب تفرقه شماست جز از راه خدا متابعت نکنید و این است سفارش خدا به شما باشد که پرهیزکار شوید.

رسول خدا (ص) با استفاده از ابزار در اختیار به یاران خود فهماند که راه حق همیشه واحد اما راههای باطل زیاد است که برای هر یک از آنها شیطانی است که گمراهان را به آن سو می‌کشاند.<sup>۱۴</sup>

در نمونه‌ای دیگر، رسول خدا (ص) سه چوب را در فواصل مختلف یکی را جلوی خود، دومی را کنار آن و سومی را دورتر قرار دارد و فرمود: آیا می‌دانید این چوب‌ها چیست؟ عرض کردند: خدا و رسولش داناترند.

پیامبر (ص) فرمود: چوب اول انسان است و آن دومی اجل و مرگ او و آن دیگری آرزوی اوست که فرزند آدم را گرفتار خود می‌سازد و پیش از رسیدن به آرزو مرگ، او را فرامی‌گیرد.<sup>۱۵</sup>

آن بزرگوار که برترین معلم انسان‌ها بود، با استفاده از این ابزار آموزشی ساده به زیبایی این حقیقت را بیان کرد که انسان چقدر به مرگ نزدیک است و نباید در تخیل نیل به آرزوهای نامحدود که با مانعی همچون مرگ روبه‌رو است، فرو رود.

### راهکارهای پیشگیری از آسیب‌شناسی تربیت دینی

۱. تربیت معلمان با فرهنگ اسلامی؛ به گونه‌ای که تمامی رفتارشان بر مبنای تعالیم اسلامی و از جمله در برخورد با دانش‌آموزان مطلوب باشد؛
۲. روشن بودن مفاهیم دینی و خالی بودن آنها از قابلیت تفسیرپذیری‌های متعدد لااقل برای سنین معینی و اعمال تعلیم‌های خاص؛

۳. اعمال مفاهیم دینی با وسعت کلمه آن در تمامی کتاب‌های درسی چه دروس دینی و چه غیر آن؛
۴. تناسب نحوه بیان مفاهیم خاص دینی با موقعیت‌های سنی دانش‌آموزان و سطح فرهنگی محیط آنان؛
۵. هماهنگی لازم با خانواده‌ها از راه انجمن‌های اولیا و مربیان و یا هر طریق دیگر؛
۶. پرهیز از هرگونه فشار به دانش‌آموزان در مورد انجام مناسک دینی؛
۷. هماهنگی‌های محلی و منطقه‌ای و ملی با مطبوعات و صدا و سیما و ناشران برای لحاظ کردن موازین تربیت دینی؛
۸. پرهیز از عوام‌زدگی در انتقال مفاهیم دینی به دانش‌آموزان چه در حوزه بیان و چه در حوزه عمل؛

- ۱۶۷
۹. پرهیز از کمیت‌گرایی در برنامه‌های تربیت دینی و توجه به کیفیت‌گرایی؛
۱۰. پرهیز از پرداختن به جنبه‌های رفتاری تربیت دینی به جای جنبه معرفتی؛
۱۱. پرهیز از جذب معلمان و مربیان ضعیف در بخش تربیت دینی؛
۱۲. پرهیز از در اولویت قرار ندادن و نیازسنجی نکردن برنامه‌های همه جانبه و تربیت دینی در تمام آموزش و پرورش؛
۱۳. در فرآیند یاددهی - یادگیری، چگونه‌آموزی باید جایگزین چه‌آموزی شود؛<sup>۱۶</sup>
۱۴. در نظام مدیریتی، شایسته‌سالاری جایگزین رابطه‌سالاری شود؛<sup>۱۷</sup>
۱۵. در نظام ارزشیابی تحصیلی، فرآیندمداری و سؤال‌محوری جایگزین محصول‌مداری و پاسخ‌محوری شود؛<sup>۱۸</sup>
۱۶. در تربیت دینی، معناگرایی و ایمان‌درونی جایگزین شکل‌گرایی و انضباط بیرونی شود؛<sup>۱۹</sup>

پی‌نوشت‌ها:

۱. فرهنگ کامل انگلیسی - فارسی، ج ۴، ص ۳۸۲۱.
۲. دزاکام، علی: «تفکر فلسفی غرب از دیدگاه استاد مطهری»، تهران، اندیشه، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶.
۳. دهخدا، علی اکبر: «لغت‌نامه»، تهران، چاپ دانشگاهی، ۱۳۷۳، ج ۴، صص ۵۷ و ۷۶.

۴. صلیبا، جمیل: «واژه‌نامه فلسفه و علوم اجتماعی»، ترجمه کاظم برگ نیسی و صادق سجادی، تهران، سهامی انتشار، ۱۳۷۰، ص ۱۲۰.
۵. آل عمران / ۱۶۴.

## 6. Troumatism

۷. بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۲۱۸.
۸. آل عمران / ۱۵۹.
۹. فصلت / ۳۴.
۱۰. بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۵۹۹.
۱۱. انعام / ۵۷.
۱۲. احزاب / ۷۰.
۱۳. انعام / ۱۵۳.
۱۴. الصالحی الشامی: «سبل الهدی و الرشاد»، ج ۹، ص ۴۰۰.
۱۵. ورام: «تنبیه الخواطر و تزیه التواطر»، ج ۱، ص ۲۸۰.
۱۶. کریمی، عبدالعظیم: «رویکردی نمادین به تربیت دینی»، ۱۳۷۴، انتشارات قدیانی، تهران.
۱۷. همان.
۱۸. همان.
۱۹. همان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی